**انترناسیونال ۶۳۴**

**کاظم نیکخواه**

**همبستگی طبقاتی و انسانی یا کشاکشهای قومی و ملی؟**

معمولا تفرقه و تعصب را از سنین کودکی در مغز افراد فرو میکنند. بنابرین عجیب نیست که در برنامه کودک از "صدا و سیمای" حکومت هر از چند گاه بوی تعفن ناسیونالیسم و فاشیسم به مشام میرسد. اگر به شما کینه به مردمی را تبلیغ میکنند که بطور مشخص جرم و گناهی نکرده اند مطمئن باشید که ویروس خطرناک فاشیسم کور تهدیدتان میکند. اگر به شما میگویند از عده ای از مردم به دلیل اینکه کرد و ترک و فارس و افغانستانی و عرب تلقی میشوند متنفر باشید، یا آنها را تحقیر کنید یا خوار و خبیث بشمارید، معلوم است که یک جای کار ایرادی جدی دارد. یک ناسیونالیست فارس براحتی میگوید عربها چنینند و سزاوار توهین و تحقیرند چون هزار و چند سال پیش عمر به ایران حمله کرد! ترکها فلانند چون به زبان دیگری حرف میزنند! افغانها دشمنند چون زادگاهشان آنطرفتر است. و چون عده ای شان از روی ناچاری در ایران با دستمزد چندرغاز جان میکنند و کار میکنند. هرکس علیه تبعیضات و تحقیرات ملی حرف بزند تجزیه طلب است و مستوجب سرکوب و حتی نابودی.

اگر دقت کنید بسادگی متوجه میشوید که برای یک ناسیونالیست خاک یک سرزمین از زندگی واقعی مردم آن سرزمین عزیزتر است. از اینکه کارگر را زندانی میکنند یا دستمزدش را نمیدهند حرفی نمیزنند یا برایشان حاشیه ای است. اما روزی صدبار در مورد خاک و تمامیت و پرچم و تجزیه مملکت نوحه سرایی میکنند و رگ گردنهایشان بیرون میزنند. یک ناسیونالیست ترک به همه کسانی که فارس تلقی میشوند توهین میکند چون جمهوری کثافت اسلامی از تلویزیونش به ترکها توهین کرده است. من و شمایی هم که روحمان خبر ندارد و از جمهوری اسلامی متنفریم و به هیچ بنی بشری بی دلیل کینه نمی ورزیم بزعم ایشان مستوجب همان عقوبتی هستیم که خامنه ای و شریعتمداری و بقیه مفتخوران کثیف اسلامی. ناسیونالیسم یعنی بی منطقی، یعنی تعصب کور، یعنی کینه کور نسبت به کسانی که جرم و گناهی نکرده اند، یعنی محکومیت جمعی. مجازات جمعی. به دلیل جرمی که کس دیگری احیانا انجام داده است. یا به بهانه جرمهایی که کسانی برای دیگران تراشیده اند.

**پشت صحنه قوم گرایی و ملی گرایی**

اگر دقت کنیم میفهمیم که پشت سر تمام جریانات ناسیونالیست و قوم گرا دولت و قدرتی قرار دارد. اینها مدام از خاک و وطن و پرچم داد سخن میدهند و رگ گردنهایشان بخاطر "مملکت و وطن" بیرون میزند اما مثل نمونه شاهان پهلوی و درباریان همان ممکلت و منابعش را بسادگی بخاطر منافع و پول و قدرت دودستی تحویل این دولت و آن قدرت خارجی میدهند. تردیدی نباید داشت که پشت این تعصب آفرینی ها و کینه پراکنی ها و تحقیر و توهین های ملی و قومی یک مشت منافع و مصالح و پول و قدرت طلبی خوابیده است و هیچ چیز دیگری نیست. اما همه قربانیان و مغز شسته شدگان از آن خبر ندارند. صحنه امروز کردستان عراق و شلیک نیروهای ناسیونالیست کرد به سوی مردم حق طلب کرد زبان از این نظر بسیار آموزنده است. این قدرتمداران و جنایتکاران امروز همان عاشقان سینه چاک کرد و کردستان هستند که سهم شان را گرفته اند و میخواهند با دزدی و سرکوب و گلوله خودرا بر سر قدرت نگه دارند. حقیقت آشکار اینست که ناسیونالیسم و قوم پرستی مثل دین و خرافه عقب سلیم را از انسانها میگیرد. استدلالی را که حتی یک کودک براحتی میفهمد برایش قابل فهم نیست. آدمها را از بچگی از منطق قابل قبول انسانی دور میکند. به بچه ها یاد میدهند که بخشی از مردم کوته نگرند، نادانند، خبیثند، نجسند، و کثیفند. به بچه ها یاد میدهند که به دنبال دلایل منطقی نگردند بلکه به برچسبهای قومی و ملی نگاه کنند. اول کسانی بجای انسان بودن و کارگر بودن و هم نوع بودن ترک و کرد و عرب و لر و فارس میشوند، و بعد اگر خودی باشند خوب و بدشان بی دلیل به عرش اعلا میروند و اگر از ملت و قوم دیگری باشند به قهقرا و مادون انسانیت پرتاب میشوند و سزاوار هر نوع سرنوشتی هستند. حدود دو قرن است که دنیا اسیر این ویروس تعصب ملی و ناسیونالیستی و قوم پرستی شده است. بویژه قرن بیست پراست از وحشیگریها و جنگهای قومی و ملی و جنایات و نسل کشیها و فاشیسم و نازیسم و جنایات ناسیونالیستهای رنگارنگ. این داستان ناسیونالیسم و قوم پرستی است. آری قرن بیست اسیر و قربانی این تعصب کور شد. علیرغم انقلابات بزرگ و انسانهای بزرگ و ایده های بسیار زیبا و انسانی، بشر در قرن بیست نتوانست خودرا از تعصب و کوته نگری و جنگها و وحشیگریها خلاص کند و چه بسیار انسانها که به نحو فجیعی قربانی این تعصبات شدند.

اما ما مجبور و محکوم نیستیم که تا ابد این سرنوشت و قربانی شدن را بپذیریم. باور کنیم که بسادگی میشود به زبان قارسی و انگلیسی و آلمانی و ترکی و کردی و عربی سخن گفت و در عین حال یکدیگر را دوست داشت. میشود به هر زبانی سخن گفت و دست در دست هم داد و علیه ظالمان و کینه افروزان و مفتخوران به هم یاری داد. میشود از جنگها و نسل کشیها و رنجها و زجرها خلاص شد. مگر همین امروز میلیونها نفر از مردم در تهران و تبریرز و لندن و دوبی و جاهای دیگر در کنار هم برادرانه زندگی نمیکنند؟ مگر تاریخ از هم یاری و همبستگی های عظیم میان مردمی با زبان و رنگ و جنس مختلف بسیار و بسیار نمونه ها ندیده است؟ آیا ما مردم امروزی این ظرفیت و توان را داریم که یک بار برای همیشه همین همیاری ها را به عرف غالب زندگی مان تبدیل کنیم و همگی مان چنین باشیم؟ یا باید باز هم شاهد فجایعی نظیر یوگوسلاوی و رواندها و جنگ کرد و ارمنی و ترک و فارس و امثال اینها باشیم؟ باید دید. بیایید تک تک مان واقعا تلاش کنیم که قرن کنونی را به قرن خلاصی از تعصبات، و قرن درک انسانیت و تلاش برای همبستگی و هم سرنوشتی تبدیل کنیم. بیایید تلاش کنیم مغزهایمان را از تعصبات و بی منطقی ها و کینه اندوزی ها پاک کنیم. بیایید از تاریخ و رویدادهای تلخ و شیرینش درس بیاموزیم.

وقتی چنین تلاشی را در دستور بگذاریم بلافاصله متوجه میشویم که نیروهایی هستند که نمیخواهند چنین اتفاقی بیفتد. نمیخواهند تعصب از بین برود. نمیخواهند تفرقه رخت بر بندد. نمیخواهند جنگ و انسان کشی تمام شود. و این نخواستنها قابل فهم است. اینها همانها هستند که یا در قدرت و نعمت غلط میزنند یا تلاش میکنند با بسیج لشکر متعصبین ملی و قومی به قدرت و ثروت دست یابند. ریشه ناسیونالیسم، ریشه تعصبات قومی و ملی عینا مثل مذهب در حاکمیت یک اقلیت مفتخور بنام سرمایه دار نهفته است. مردم متحد و بدون تفرقه مردمی آگاه و معترض و حق طلب و متحد هستند. اما مردم متعصب را میشود سالهای سال به جان یکدیگر انداخت و حکومت کرد. مردم متعصب را میشود پشت سر یک لمپن کف بر دهان آورده، یا یک آخوند و یک شاه و یک رئیس قبیله "خودی" به هیجان در آورد و علیه کسانی مثل خودشان در آن سوی مرز و آن سوی خط کشی ها به میدان جنگ و کشتن و کشته شدن فرستاد. اما مردم آگاه دشمنان و دوستان خودرا هرجا و در هرکشوری باشند میشناسند و دست به انسان کشی نمیزنند. این به زبان خیلی ساده علت و منطق دوام تعصبات قومی و ملی است. این دلیل سرمایه گذاری های کلان روی تعصبات و تفرقه پراکنی های قومی و مذهبی توسط رسانه هایی مثل "صدا و سیما" و امثال اینهاست. برای دست یافتن به یک زندگی امن و انسانی و دوستانه و صمیمانه باید دست به ریشه تفرقه افکنی ها برد و همه مدافعین کینه و جنگ و جدایی ها را افشا کرد. راهی جز این نیست. و جز این راهی برای خلاصی از کل دوران تعصب و توحش و فجایع وجود ندارد.